

## مدینه، محل هجرت پیامبر ﷺ و شکل‌گیری جامعه اسلامی و پایه‌گذاری اولین حکومت اسلامی<sup>۱</sup>

----- محمدهادی یوسفی غروی<sup>۲</sup> و روح‌الله محرمی<sup>۳</sup>

مدینه از ریشه «م-د-ن» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۵۳) به معنای اقامت است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۴۰۲) و مدینه بر وزن فعلیه به معنای شهر کامل است (فیومی، ۱۴۰۵، ص ۵۶۶). برخی نیز مدینه را بر وزن مفعله و از «دین» یا «دان» به معنای ملک دانسته‌اند (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۰۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۴۰۲؛ فیومی، ۱۴۰۵، ص ۵۶۶). مراد از مدینه شهر یثرب است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۵۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۵۲۹) که در شمال مکه (قرچانلو، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۶۴) و در فاصله حدود ۴۵۰ کیلومتری آن، در نزدیکی کوه احد قرار دارد (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵). این شهر پس از هجرت پیامبر ﷺ، مدینه‌الرسول یا مدینه‌النبی نام گرفت و بعدها از باب غلبه و اختصار، مدینه (بدون پسوند) خوانده شد (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۳؛ مقدسی، ۱۴۱۱، ص ۲۶، ۶۷، ۸۰؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۷۴، ۸۲-۸۳). مدینه در قرآن گاهی به معنای مطلق شهر و گاهی به معنای مدینه‌النبی است (ر.ک: ادامه مقاله).

۱. این مقاله در قالب طرح پژوهشی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تدوین شده و کلیه حقوق آن متعلق به پژوهشکده دانشنامه‌نگاری است. انتشار این مقاله در چارچوب همکاری مشترک میان مجله قرآن‌پژوهی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی صورت گرفته است.
۲. پژوهشگر علوم دینی حوزه علمیه قم.
۳. پژوهشگر علوم دینی حوزه علمیه قم.

مدینه پیش از اسلام، یثرب یا اثرب نام داشت (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۹۱؛ ۵، ص ۴۳۰؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۸۶) که در قرآن نیز به این نام خوانده شده است («يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ») (احزاب: ۱۳). دائرةالمعارف قرآن لاییدن کاربرد نام یثرب را در لیه ۱۳ سوره احزاب از این رو مهم دانسته است که ندای «یا اهل یثرب» طرز تفکر گروهی خاص (منافقان) را ترسیم می کند که صفوف مسلمانان را در زمانی حساس و بحرانی ترک کردند، به این امید که اسلام به زودی از میان می رود و مدینه به وضع شرک آلود پیش از اسلام برمی گردد (Kadi, 2001, pp207-208). این مطلب در برخی منابع تفسیری نیز آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۲۹).

در باب وجه تسمیه یثرب، آن را برگرفته از نام یثرب بن قانیة، از نوادگان حضرت نوح علیه السلام (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۴۳۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۶۵)، یا نام رئیس گروهی از عمالقه (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۶۵) دانسته اند. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ورود به یثرب، نام این شهر را به طئیه تغییر داد (ابن فقیه، ۱۴۱۶، ص ۸۰؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۴۳۰؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۲۰؛ ۴۱) که این اسم در شعر حسان نیز آمده است (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۶۶۶). به روشنی معلوم نیست که نام این شهر تا چه زمانی مدینه النبی بوده و از چه زمانی آن را فقط مدینه خوانده اند. اسامی دیگری نیز در کتب تاریخی برای مدینه بر شمرده اند (ر.ک: ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۲؛ مقدسی، ۱۴۱۱، ص ۳۰؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۴۶؛ ۵، ص ۸۳). در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله ده نام برای این شهر گفته شده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶، ص ۸۰؛ سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۹۵؛ ر.ک: یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۸۷، ۲۹۳-۲۹۵).

پیش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، قبایل اوس و خزرج به همراه یهودیان (← مقاله قبایل یهود) در آن شهر می زیستند (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۶۵۶). با هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، مهاجران نیز به آنجا کوچ کردند و بخشی از ساکنان آن را تشکیل دادند (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۰؛ ← مقاله هجرت و مهاجران). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ده سال در مدینه زیست (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۲۰) و بخشی از رخدادهای مهم تاریخ اسلام و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روی داد. ۲۸ سوره از قرآن در مدینه نازل شده (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۳۷؛ ابیاری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۲) و قرآن به قسمتی از رخدادهای

این شهر اشاره کرده است، به گونه‌ای که خود این شهر، مردم آن، و وقایع رخ داده در آن، شأن نزول بخش درخور توجهی از آیات قرآن‌اند (ر.ک: ادامه مقاله).

واژه مدینه در چهارده آیه قرآن به شکل عام و به معنای شهر آمده (اعراف: ۱۲۳؛ یوسف: ۳۰؛ حجر: ۶۷؛ کهف: ۱۹، ۸۲؛ نمل: ۴۸؛ قصص: ۱۵، ۱۸، ۲۰؛ یس: ۲۰)، که چهار بار آن به اصل شهر (نه مدینه در مقابل مکه) اشاره دارد (توبه: ۱۰۱-۱۲۰؛ احزاب: ۶۰؛ منافقون: ۸). محتوای کلی ۲۸ سوره مدنی جز برخی از آنها ناظر به فضای مدینه و وقایع مربوط به آن است، از جمله: اشاره به فراوانی خرما و انگور مدینه (مؤمنون: ۱۹)، ماجرای مسجد ضرار (توبه: ۱۰۷) و مسجد قبا (توبه: ۱۰۸)، تغییر قبله (بقره: ۱۴۴، ۱۴۹-۱۵۰)، اختلاف بین اوس و خزرج (آل عمران: ۱۰۳؛ انفال: ۶۳)، رباخواری یهودیان و اجحاف آنان در حق ساکنان مدینه (ملئده: ۶۳؛ آل عمران: ۷۵، ۱۸۱)، وجود دین مسیحیت در مدینه (نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۱۷، ۷۲، ۷۷)، بیعت‌های عقبه اول و دوم (ممتحنه: ۱۲)، هجرت پیامبر ﷺ به مدینه (اسراء: ۷۶)، میزبانی انصار از مهاجران (انفال: ۷۲، ۷۴؛ حشر: ۹)، نقش ساکنان مدینه و مجاهدت ایشان در جنگ بدر (آل عمران: ۱۳، ۱۲۳-۱۲۵؛ انفال: ۷-۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۵-۱۸، ۴۱-۴۴، ۴۷، ۶۵-۶۶؛ توبه: ۳۹؛ حج: ۱۹؛ قمر: ۴۴-۴۵) و أحد (آل عمران: ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۵، ۱۷۱؛ نور: ۶۲)، واقعه بئر معونه و شهادت عده‌ای از قاریان مدینه در راه تبلیغ اسلام (بقره: ۸۹، ۱۰۴، ۱۴۶؛ آل عمران: ۶۱؛ توبه: ۳۰؛ احزاب: ۲۶)، برخورد رسول خدای ﷺ و مسلمانان با اهل کتاب (حشر: ۲-۵) و منافقان مدینه (توبه: ۱۰۱؛ حجرات: ۶؛ منافقون: ۸) و رفتارهای آنان (آل عمران: ۱۴۴؛ نساء: ۷۷؛ توبه: ۱۵، ۶۶۱، ۷۴؛ احزاب: ۱۲-۱۳).

با توجه به اهمیت مدینه برای مسلمانان، کتاب‌هایی با موضوع معرفی و بیان فضیلت‌های آن تألیف شده است که شماری از بین رفته و برخی در دسترس‌اند. از نخستین آثار از میان رفته، اخبار المدینه نوشته ابن زبالة (م. ۲۰۰ق) و اخبار المدینه منسوب به زبیر بن بکار (م. ۲۵۶ق) است. پس از این دو اثر، تاریخ المدینه المنوره از ابن شَبّه نمیری (م. ۲۶۲ق)، فضائل المدینه از ابوسعید مفضل جندی یمنی (م. ۳۰۸ق) و الانباء المبینة فی فضل المدینه از ابن عساکر قاسم بن علی (م. ۶۰۰ق) است که مفقود شده‌اند و در دسترس نیستند. در دوران معاصر نیز آثاری به زبان عربی و فارسی

دربارهٔ مدینه و معرفی آن نگاشته شده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها بدین قرارند: فصول من تاریخ المدینة المنورة اثر علی حافظ، معالم المدینة المنورة بین العمارة والتاریخ اثر عبدالعزیز کعکی، یثرب قبل الاسلام اثر محمد سید وکیل، خطط المدینة المنورة اثر صالح احمد علی، مکه والمدینة فی الجاهلیة وعصر الرسول اثر احمد ابراهیم شریف، مدینة یثرب قبل الاسلام اثر یاسین غضبان، و مجتمع المدینة فی عهد الرسول اثر عبدالله عبدالعزیز بن ادیس که شهلا بختیاری آن را با نام جامعهٔ مدینه در عصر نبوی، به فارسی ترجمه کرده است. در زبان فارسی نیز کتاب‌های مدینه‌شناسی از محمدباقر نجفی، آثار اسلامی مکه و مدینه از رسول جعفریان و تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره از اصغر قائدان نوشته شده‌اند. کتابی دربارهٔ مدینه با رویکرد قرآنی و محوریت آیات قرآن یافت نشد.

در برخی منابع تاریخی و جوامع حدیثی، اخبار مربوط به مدینه و فضایل این شهر و ساکنان آن، در ابواب منظم و مجزا و گاهی پراکنده گردآوری شده است (ر.ک: طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۲-۱۹؛ هیثمی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۹۸-۳۰۳؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۸۷-۲۹۵). دائرةالمعارف قرآن راتلج در مقاله «اسلام» به حضور پیامبر ﷺ در مدینه و اقدامات ایشان پرداخته است (Alay, pp317). دائرةالمعارف قرآن لایدن نیز مقاله‌ای با عنوان «مدینه» دارد که در آن مسائل مربوط به مدینه در سه دورهٔ تاریخی پیش از اسلام، اوایل اسلام و پس از پیامبر ﷺ بررسی شده است (See: Shöller, vol3, pp367-371).

### جغرافیای مدینه

مدینه در شمال مکه و در مسیر راه تجاری یمن، مکه و شام قرار دارد. این شهر را از سه طرف، زمین‌های سنگلاخ آتشفشانی به نام‌های واقم (شرق)، ویره (غرب) و سُوران (جنوب) فراگرفته است که حَرّه نامیده می‌شود (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۲؛ کعکی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۳۹؛ جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵).

پیرامون شهر مدینه از سه جهت با کوه‌های کم‌ارتفاع و پراکنده پوشیده شده است (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۲). از دلایل اهمیت کوه‌ها در جغرافیای طبیعی مدینه آن است که این شهر از جنوب به کوه عیر و از شمال به کوه ثور منتهی شده و روایت نبوی این دو کوه را حد حرم معرفی کرده است

(مغربی، ۱، ص ۲۹۵؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۸۷؛ ۴، ص ۱۷۲). اُحُد نیز محل وقوع غزوه احد (← مقاله اُحُد) و نام رشته کوهی در شمال مدینه است، که از شرق به غرب امتداد دارد (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۳۵۴). همچنین سَلِیع یا جُهَینَه یا عَثَعَث نام کوه کوچکی درون مدینه در شمال غربی مسجدالنبی است (ابن شنبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۵؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۳، ص ۲۴۲؛ کعکی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۸)، و نبرد احزاب هم در دامنه کوه سَلَع رخ داده است (کعکی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۱۲؛ شراب، ۱۴۱۱، ص ۱۰۹؛ ← مقاله احزاب).

نواحی و وادی‌ها: معروف‌ترین وادی مدینه (واقع در خارج آن)، «وادی عقیق» در غرب شهر است که به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است (ر.ک: مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۳؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۵۱) و صحابه پیامبر، نخلستان‌های فراوانی در آن پلید آوردند (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۳۹؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۱۸۷-۱۸۸). امیر مؤمنان علی علیه السلام در بخش اکبر این وادی، ۲۳ چاه حفر کرد (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۱۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۳). از جمله مناطق مهم و راهبردی مدینه، منطقه خوش آب و هوای فدک و خیبر (باشش قلعه) بوده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۶). این منطقه که خارج از مدینه و در راه شام بود، در اختیار یهودیان مدینه قرار داشت (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۰۹-۴۱۰؛ ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹) و پیامبر صلی الله علیه و آله در سال هفتم هجرت آن را فتح کرد (ر.ک: واقدی، ج ۲، ص ۶۳۳-۶۳۷؛ ← مقاله قبایل یهود).

دیگر نواحی و وادی‌های حومه مدینه عبارت بودند از: وادی القُری از توابع خیبر (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۳۳۸؛ ۵، ص ۳۴۵)، قُقرَین (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۹؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ۴، ص ۱۲۷-۱۲۸)، منطقه جُرف نزدیک مسجد شجره (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۲؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱۲۸؛ ۴، ص ۴۰۱)، منطقه سُنح (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۷۱-۷۲؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۷)، وادی رانوزاء در جنوب غربی (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۲۱۰؛ کعکی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۵۱۸)، وادی بَطحان یا ابوجیده در بخش جنوبی (فیروزآبادی، ۴۵۴)، وادی مُدَنِب در جنوب شرقی (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۹۱؛ شراب، ۱۴۱۱، ص ۳۶) و وادی مَهزُور (محل سکونت اولیه یهود بنی قریظه در شرق مدینه) (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۲۳۴؛ ابن نجار بغدادی، بی تا، ص ۲۸).

## مساجد و مراکز تاریخی مدینه

مسلمانان مدینه برای پیشرفت اسلام، مساجد متعددی در این شهر بنا کردند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۳-۶۵؛ مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۸۵). به نظر می‌رسد این اماکن، مساجدی رسمی و شناخته شده نبوده‌اند، بلکه در آنها فقط نماز جماعت برگزار می‌شده است، چنان‌که طبق نقلی، رسول خدا ﷺ پیش از ساخته شدن دیوارهای مسجد، در مکان آن نماز می‌خواند (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۸؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۲۱؛ ج ۳، ص ۱۶-۱۷).

اولین مسجدی که پیامبر ﷺ به صورت رسمی در مرکز مدینه بنا کرد، مسجدالنبی بود. بنا بر یک دیدگاه، پیامبر ﷺ زمین آن را از دو یتیم بنی نجار خرید (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۴؛ مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۸۵؛ طبرسی، إعلام الوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۹)، یا آن زمین را با نخلی در قبیله بنی بیاضه معاوضه کرد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۵). سقف مسجد از شاخه‌های خرما، و کف آن پوشیده از سنگریزه و ریگ و ارتفاع آن هفت یا پنج ذراع و بدون نقش و نگار بود (ابن ادریس، ۱۴۰۲، ص ۱۳۱-۱۳۲). بنا بر حدیثی از پیامبر ﷺ، آیه ۱۰۸ سوره توبه «لَمْ يَسْجُدْ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ» به مسجدالنبی اشاره دارد (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۴۴-۵۴۵؛ ج ۵، ص ۲۶۴؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۲۰-۲۱). دیگر مسجد مشهور و تاریخی مدینه قبا بود که پیش از هجرت نیز به عنوان مسجد شناخته می‌شد، هرچند رسمیت نداشت و تکمیل نشده بود (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۹۵؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۶۷). رسول خدا ﷺ پس از رسیدن به مدینه در منطقه قبا لقامت کرد و پس از چند روز جای مسجد قبا را مشخص نمود و گفته‌اند که روزهای شنبه در آنجا نماز می‌گزارد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۳۲). به نظر بیشتر مفسران، آیه ۱۰۸ سوره توبه در وصف مسجد قبا و در مقابل آیه ۱۰۷ این سوره «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ» در تقبیح مسجد ضرار نازل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۳۹۶؛ ← مقاله‌های مسجد قبا؛ مسجد ضرار).

با نظارت پیامبر ﷺ و یاری انصار، به مرور نه مسجد در مناطق مسکونی اوس و خزرج ساخته شد (مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۸۵) که رسول خدا ﷺ محل و قبله آنها را تعیین کرد. این مساجد

عبارت اند از: راتج، بنی عبدالأشهل، بنی عمرو بن مبدول، جُهینة، بنی سلمه، بنی زریق، غفار، اسلم و بنی عمرو بن نجار (سهیلی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۳۶۸؛ خزاعی، ۱۳۱). در مسجد محله بنی سلمه بود که به امر خدای تعالی قبله از جانب بیت المقدس به سوی کعبه، تغییر کرد «فَلَنُؤَلِّتَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۴۴، نیز ۱۴۹-۱۵۰) و به همین سبب، مسجد قبلتین نام گرفت (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲؛ ← مقاله تغییر قبله). گزارش شده است که امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز در مدینه مساجدی چون مسجد فتح و مسجدی در میقات بنا کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۸۸).

از دیگر مساجد مدینه، مسجدی کوچک در دامنه کوه أحد نزدیک قبر حضرت حمزه است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۱۱۰). مساجدی پیرامون مسجد فتح (در شمال غرب مدینه) ساخته شد که به مساجد سبعة مشهور است (شراب، ۱۴۱۱، ص ۳۵). برخی منابع تنها از چهار مسجد در این نقطه نام برده اند (سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۳، ص ۳۹، ۴۳-۴۵). افزون بر مساجد مدینه به عنوان مراکز فرهنگی و تاریخی، مردم مدینه محل هایی برای مشورت و رایزنی درباره امور مهم داشتند که مشهورترین آنها سقیفه بنی ساعده بود (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۶).

### ساکنان مدینه

بیشتر ساکنان مدینه قبل از هجرت مسلمانان، قبایل یهودی (← مقاله قبایل یهود) و دو قبیله اوس و خزرج (← مقاله انصار) بودند. اوس و خزرج، که اصالتی یمنی داشتند خود مشتمل بر چهل طایفه بودند (ر.ک: ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۳۲-۳۶۶؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۸۹؛ ج ۵، ص ۱۱۹-۱۲۱) و درباره علت مهاجرت آنان به مدینه، دلایل گوناگونی مطرح شده است (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۶۵۶).

پیش از بعثت رسول خدای صلی الله علیه و آله، یهودیان به عنوان نخستین ساکنان مدینه نفوذی چشمگیر در شهر داشتند (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۲۲، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۳۰)؛ از این رو انصار یمنی الاصل با آنان عهد و پیمان بستند و حلیف آنان به شمار آمدند (یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۹). قرآن در آیات ۸۹ «كَانُوا مِنْ قَبْلُ

يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» و ۱۴۶ سوره بقره «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ» و آیه ۲۰ سوره انعام «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ» از انتظار یهودیان مدینه برای ظهور پیامبر خاتم، که او را از روی اوصافش می‌شناختند، سخن می‌گوید (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳، ۱۹۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ ج ۲، ص ۱۷). پیامبر ﷺ یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر را به علت توطئه‌ها و نقض پیمان‌های‌شان با آن حضرت و مسلمانان، از مدینه اخراج کرد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۰، ۳۷۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۹). یهودیان بنی قریظه نیز با پذیرش حکمت سعد بن معاذ (از قبیله اوس و هم‌پیمان خودشان)، به کشته‌شدن شمار زیادی از مردان و اسارت زنان و فرزندان‌شان تن دادند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۱۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۸۷-۵۸۸؛ ← مقاله قبایل یهود).

پس از مهاجرت مسلمانان و پیامبر ﷺ از مکه به مدینه بر اثر شکنجه‌های مشرکان مکه (ر.ک: ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۹، ۳۱۷)، مهاجران نیز به ساکنان مدینه افزوده شدند، اما آمار دقیقی از شمار مهاجران در دست نیست و تعداد آنان در طول هشت سال (تافتح مکه) متغیر بود، لکن تعداد آنان به حدی نبود که ترکیب جمعیت مدینه را تغییر اساسی دهد (← مقاله هجرت و مهاجران).

ساختار قبایلی مدینه: ساختار قبایلی در زندگی اعراب حجاز نقش مهمی داشت (جعفریان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۸-۱۶۵). مردم مدینه نیز مانند دیگر مناطق حجاز، در جنگ و صلح تابع رئیس قبیله خود بودند، چنان‌که بیشتر مردم قبیله اوس به تبع سعد بن معاذ مسلمان شدند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۶؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۲۱). از پیمان اتحاد برخی از تیره‌های انصار و اسلام آوردن‌شان به پیروی از قبیله متحد، و گاه سکونت آنان در یک جا به سبب اتحاد و هم‌پیمانی، از جلوه‌های اهمیت قبیله و عشیره و یکپارچگی آن نزد اعراب جاهلی است (هروی، النسب، ۱۴۱۰، ص ۲۷۰؛ ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۳۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ ابن‌حزم اندلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۵-۳۴۶، ۴۷۱؛ نویری، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۰۱).

تا پیش از اسلام، اوس و خزرج سال‌ها با هم درگیری داشتند (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۵۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷) که جنگ باعث از مهم‌ترین آنها بود (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۷). در قرآن به این دشمنی دیرینه و اختلاف ساکنان مدینه اشاره شده است «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ

أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳)  
 «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (انفال: ۶۳) و منابع تاریخی (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳، ۲، ص ۳۷) و تفسیری (ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۶-۵۴۷؛ ج ۵، ص ۱۵۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۴۲) نیز به آن پرداخته‌اند. افزون بر این برخی تیره‌های آنان با یهودیان نیز درگیری‌های فراوان داشتند (ر.ک: یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۷، ۲۰۳-۲۰۴؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ج ۵، ص ۸۵).

ساختار قبیله‌ای ساکنان مدینه پس از اسلام نیز باقی ماند و پیامبر ﷺ اموری چون سازماندهی نیروها برای جنگ و بیعت قبایل با خود را در قالب همین ساختار انجام داد (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ج ۷، ص ۹۹). در هر قبیله افزون بر رئیس، نماینده‌ای تعیین شده بود که وظایفی چون تعلیم قرآن و مسائل دینی و ارتباط با حکومت را بر عهده داشت (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۱۱؛ ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۱؛ ج ۲، ص ۲۴۰). البته فضای قبایلی حاکم بر اعراب مهاجر و ساکنان مدینه، گاه در رخدادهایی چون حادثه افک (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۳۱-۴۳۲؛ ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ مقاله افک) موجب بروز اختلافات و شعله‌ور شدن تعصبات قومی می‌شد (ر.ک: احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۲۳).

### اقتصاد مدینه

وضع معیشت ساکنان مدینه پیش از هجرت پیامبر ﷺ، ضعیف بود و بیشتر مردم وضع مالی مناسبی نداشتند (ر.ک: مقدسی، ۱۴۱۱، ص ۳۴) و این مشکلات ناشی از اختلافات طولانی و کینه‌های دیرین بین اوس و خزرج بود (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ج ۲، ص ۳۷). آنان به سبب فقر، از یهودیان مدینه با بهره و ربا پول قرض می‌گرفتند که به همین علت مورد توبیخ قرآن قرار گرفتند «وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (مائده: ۶۳). ساکنان مدینه بیشتر به مشاغلی چون کشاورزی، تجارت و دامداری اشتغال داشتند.

۱. کشاورزی: مدینه در کنار مکه و طائف، یکی از سه شهر مهم منطقه حجاز و یکی از مناطق مناسب شهرنشینی بود که در آن افزون بر وجود آب‌های سطحی (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۲)، از آب‌های زیرزمینی نیز استفاده می‌شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۹۰؛ یاقوت حموی،

۱۳۹۹، ج ۱، ص ۷۸، ۲۹۹، ۳۰۲؛ ج ۳، ص ۱۰۴؛ ر.ک: شراب، ۱۴۱۱، ص ۲۷۶) و امکان کشاورزی و باغداری در آن فراهم بود (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۰؛ ج ۴، ص ۱۹۳؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱-۴۲، ۱۳۱؛ عباسی، بی‌تا، ص ۲۳۳). به نظر برخی مفسران، آیه ۱۹ سوره مؤمنون «جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ» به میوه‌های خرما و انگور مدینه اشاره دارد (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۸، ص ۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۵۹). محصول عمده مدینه که غذای مردم را تشکیل می‌داد خرما بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۱۸-۳۱۹؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۹).

یهودیان به برکت زمین‌های مرغوب و حاصلخیز و قلعه‌های متعددشان، نبض اقتصادی و سیاسی مدینه را در دست داشتند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴، ۲۵۷؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۳). بعدها با فتح مناطقی چون خیبر و تقسیم غنایم، وضع معیشت و درآمد مسلمانان نیز بهبود یافت (ر.ک: یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن‌جوزی، المنتظم، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۳۹). رسول خدا ﷺ زمین‌های اهدایی و بدون مالک (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۶۳) را در اختیار مسلمانان مهاجر قرار می‌داد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۸۶) و مهاجران در زمین‌های زراعی مناطقی همچون غابه، نخل و گندم کاشتند (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۸۲؛ ج ۵، ص ۸۶؛ سمهودی، ۲۰۰۶، ج ۴، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۱۸-۲۲۰).

۲. تجارت: پیش از هجرت، افزون بر کشاورزی، تجارت نیز در حد گذران زندگی در میان اهل مدینه رواج داشت و برخی با کاروان‌های تجاری شام و یمن و مکه دادوستد می‌کردند (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۴؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ج ۷، ص ۲۹۳). در این میان، یهود مدینه توان اقتصادی بیشتری داشتند و واردات محصولات ضروری (دیاربکری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲؛ جواد علی، بی‌تا، ج ۷، ص ۵۸، ۲۹۳)، زینت‌آلات و وسایل فلزی در اختیار آنان بود (جواد علی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۱؛ ج ۷، ص ۵۸، ۲۹۳؛ بزو، ۱۴۱۷، ص ۳۰۷).

ابن‌شُبّه نمیری (۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶) و دیگران (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ ج ۲، ص ۳۵) از چند بازار در داخل و خارج مدینه عصر جاهلی به نام‌های رُبَّالَه و سُوقِ الحِسر در بنی قینقاع و رُقَاق یا مُزاحم (قلعه) و صَفَاصَف در عصبه و بقیع الخیل نام برده‌اند.

پس از عهدشکنی بنی قینقاع (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷-۴۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۹) پیامبر ﷺ مکان بازار اصلی مدینه را تغییر داد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۴) و برای تقویت و استقلال اقتصاد مسلمانان در مقابل یهودیان، مکان‌هایی را به‌عنوان بازار معاملات مسلمین تعیین کرد (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۰۶؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۵-۲۴).

۳. **دامداری:** در مدینه، تعداد کمی چارپا برای کارهایی چون شخم‌زدن زمین و آب‌کشیدن از چاه پرورش می‌یافت (هروی، ۱۴۰۸، ص ۵۷۹)، اما رفته‌رفته به‌سبب ضرورت‌های معیشتی و نظامی، به مرکب‌هایی چون اسب نیاز شد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۰۰؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۵۴). پس از مدتی محلی را میان مدینه و ربذه برای نگهداری شتران زکات و منطقه تقیع الخضما را برای پرورش و نگهداری اسب‌های مجاهدان اختصاص دادند (هروی، ۱۴۰۸، ص ۳۷۵-۳۷۶؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۱۹؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۵، ص ۳۰۱).

### دانش، فرهنگ و ادبیات مدینه

برخی از اهل علم و کتابت (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۱۶۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸؛ کورانی، ۱۴۱۸، ص ۲۳۴) و شعر و ادب (جمحی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۵، ۲۲۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۲۰) در مدینه سکونت داشتند که کاتبانی چون حنظله بن ابی عامر، سعد بن عباد، قیس بن سعد، ابی بن کعب و زید بن ثابت از آن جمله بودند (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۴۳، ۳۵۴، ۳۷۸؛ ابن قتیبه دینوری، بی‌تا، ص ۳۰۰، ۵۴۷؛ بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۱۵). شعر نیز در مدینه جایگاه ویژه‌ای داشت (جاحظ، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۶۵، ۲۵۳؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۷)، چنان‌که اشعاری حماسی درباره جنگ‌ها و رشادت‌های مردم مدینه (اوس و خزرج) از شاعران مدنی چون حسان بن ثابت، قیس بن خطیم، عامر بن اطنابه و دیگران به یادگار مانده که نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی و ادبی مدینه در عصر پیش و پس از اسلام است (هروی، ۱۴۱۰، ص ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۱؛ جمحی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۵، ۲۲۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۱۷، ص ۲۰).

### دین و آیین در مدینه

دین و آیین رایج در جزیره‌العرب قبل از بعثت، بت‌پرستی بود و بیشتر ساکنان مدینه نیز بت

منات را احترام و ستایش می‌کردند (ر.ک: کلیبی، ۱۳۶۴، ص ۱۳؛ ابن حیب بغدادی، بی‌تا، ص ۳۱۳-۳۱۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۳). قرآن کریم حضور پیروان دین مسیحیت را (هرچند اندک) در برخی نواحی اطراف مدینه (نجران) تأیید کرده است «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» (نساء: ۱۷۱)، «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» (مانده: ۱۷، ۷۲)، «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ» (مائده: ۷۷؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۰۵، ۲۰۳-۲۰۴؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۳، ۳۵۶؛ ج ۵، ص ۳۶-۳۷). آیات پرشماری نیز بر حضور یهودیان در مدینه دلالت دارند (بقره: ۱۴۶؛ آل عمران: ۱۱۳؛ مانده: ۵۱-۵۲؛ ← مقاله قبایل یهود). برخی محققان احتمال داده‌اند که هم‌پیمانی یهود و اوس و خزرج در مدینه پیش از اسلام، موجب گرایش بعضی از ساکنان مدینه به آیین یهود شده باشد (ر.ک: جواد علی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۱؛ غضبان، ۱۹۹۳، ص ۸۳، ۱۰۳).

### نقش مدینه در رشد و توسعه اسلام

برخی سویدین صامت از قبیله اوس و لیا بن معاذ از قبیله خزرج را اولین مسلمانان از میان ساکنان مدینه معرفی کرده‌اند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۰). در سال دهم یا یازدهم بعثت نیز شش تن از قبیله اوس در موسم حج با پیامبر ﷺ دیدار کردند و اسلام را پذیرفتند (مقدسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۶۵؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۴، ص ۱۳۴). آنان پس از بازگشت به مدینه، خبر ظهور اسلام و ملاقات‌شان با رسول خدا ﷺ را با مردم در میان گذاشتند که این کار موجب گسترش اسلام شد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۴۱). در سال دوازدهم بعثت، دوازده تن از ساکنان مدینه (ده تن از خزرج و دو تن از اوس) برای انجام دادن فریضه حج به مکه رفتند و با پیامبر ﷺ دیدار کردند و مسلمان شدند. آنان با رسول خدا ﷺ پیمان بستند که شرک نوزند، از دزدی، زنا و قتل پرهیزند و از وی حمایت کنند. این واقعه به پیمان عقبه اول یا بیعت نساء معروف شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۳۹). پس از بازگشت این دوازده تن به یثرب، رفته‌رفته شمار مسلمانان افزایش یافت، چنان‌که ابن اسحاق از چهل مسلمان نام برده است (ر.ک: ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۵).

پس از آن مردم مدینه برای فراگیری قرآن و احکام و امامت جماعت، از پیامبر ﷺ درخواست مبلغ و قاری کردند. رسول خدا ﷺ مصعب بن عمیر کلبی را نزد آنان فرستاد که بر اثر خوش رفتاری و مهربانی او به تدریج بسیاری از مردم یترب به اسلام گرویدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۴۰۷). در سال سیزدهم بعثت و در لیالی تشریق، هفتاد یا ۷۳ مرد و دوزن از قبایل اوس و خزرج به مکه رفتند و با پیامبر ﷺ مخفیانه دیدار و بیعت کردند و متعهد شدند که از ایشان همچون فرزندان خود حمایت کنند. این پیمان، عقبه دوم نام گرفت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۲).

پذیرش آسان اسلام به سبب آمادگی روانی مردم مدینه بود، و این آمادگی بر اثر پیشگویی یهودیان مدینه بر اساس تورات درباره بعثت پیامبر ﷺ پدید آمده بود (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۲۹؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۳۴). قرآن نیز گزارش داده است که یهودیان، پیامبر خاتم را به خوبی از اوصافش می شناختند «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶؛ انعام: ۲۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۸۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۶).

با اسلام آوردن شماری از ساکنان مدینه، موضوع هجرت پیامبر ﷺ به این شهر مطرح شد. پس از فزونی شمار مسلمانان در این شهر و اعلان رسمی حمایت آنان از پیامبر ﷺ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۳؛ ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۸)، دوباره از آن حضرت برای هجرت به مدینه دعوت کردند. ابتدا به دستور پیامبر ﷺ تعدادی از مسلمانان مکه که در رنج و زیر فشار و آزار مشرکان قریش بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۷۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۵۷)، به مدینه هجرت کردند و پس از آن مهاجران به حبشه نیز رفته رفته به آنان پیوستند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۸۹). افزایش آزار قریش بعد از رحلت ابوطالب (← مقاله ابوطالب) باعث شد پیامبر اکرم ﷺ برای ابلاغ رسالت الهی خود (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱۴) از قبایل مختلف درخواست حمایت کند (ر.ک: بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۴۱۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۳؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۷۸) که فقط قبایل اوس و خزرج این درخواست را پذیرفتند (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷).

پس از ورود پیامبر ﷺ به مدینه، مردم از آن حضرت استقبال کردند و هر طایفه می خواست

افتخار میزبانی وی را از آن خود کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۳۹؛ مقدسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۷۸). رسول خدای ﷺ برای انتخاب محل اقامت خود، توقف شترش را شرط کرد، که در نهایت شتر در یکی از محله‌های بنی‌نجار زانو زد. حضرت آنجا را برای بنای مسجد انتخاب کرد و ابویوب انصاری و سعد بن عباده، از بزرگان مدینه، به طور موقت عهده‌دار سکونت و تأمین خوراک پیامبر ﷺ شدند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۴۹۴-۴۹۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵).

از نخستین اقدامات رسول خدای ﷺ پس از هجرت به مدینه، برقراری پیمان برادری بین مهاجران و انصار بود (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۵-۵۰۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۴؛ ۳، ص ۱۶). سپس پیامبر ﷺ برای پیشگیری از بروز اختلافات، عهدنامه‌ای میان همه ساکنان مدینه، اعم از انصار و مهاجر و یهودیان منعقد ساخت (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۲؛ ابن سیدالناس، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۲۷). در دائرةالمعارف قرآن لایتن آمده که انسجام متنی این عهدنامه بحث‌برانگیز است و در آن به قرآن اشاره‌ای نشده است، گرچه موضعش در مورد قبایل یهود، که جزئی از «امت» بودند، واقع‌گرایانه است (Raven, 1401, vol5, pp44)، لکن نویسنده هیچ شاهی بر عدم انسجام متنی نیاورده و تصریح کرده است که عموم محققان این عهدنامه را سندی کهن می‌دانند. افزون بر این، در پیمان با غیرمسلمانان لزومی نداشت که به قرآن اشاره شود، چون آنها به قرآن اعتقادی نداشتند.

با پذیرش مهاجران مکی از جانب ساکنان مدینه و میزبانی و یاری آنان (انفال: ۷۲، ۷۴؛ حشر: ۹؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۸، ص ۲۷-۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۳؛ مقاله انصار) روند نفوذ و پیشرفت اسلام در حجاز سرعت گرفت و مدینه، به‌ویژه پس از فتح مکه، شهری یکپارچه و قدرتمند شد که آن را به‌عنوان پایتخت حکومت اسلامی می‌شناختند (بیضون، ۱۹۸۹، ص ۴۴).

### مجاهدت مردم مدینه

ساکنان بومی مدینه همواره مردمانی شجاع و جنگجو بودند (ر.ک: بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۶؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۰۷) و پیامبر ﷺ در مقابل تهدید مشرکان به شجاعت آنان دلگرم بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۶؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۱۸۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰،

ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴). امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز با مردم کوفه، از بی باکی مردم مدینه در راه دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن گفته است (ثقفی کوفی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۸۱؛ ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص ۱۴۸). بیشترین بار جنگ های عصر پیامبر صلی الله علیه و آله در حوادث ده ساله پس از هجرت، بر دوش ساکنان مدینه بود و آنان در تمام نبردها با جان و مال خویش، پشتیبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۶۳۵-۶۳۹؛ ابن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۳۲-۳۸، ۵۲، ۶۳؛ ← مقاله جنگ های پیامبر صلی الله علیه و آله).

گزارشی از حضور مردم مدینه در نخستین اعزام های پیامبر صلی الله علیه و آله در سال اول هجرت به چشم نمی خورد (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱) و حضور فعال آنان در جنگ ها از جنگ بدر شروع می شود (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۴)، چنان که از تعداد ۳۱۳ مجاهد مسلمان حاضر در کارزار بدر، ۲۲۰ یا ۲۲۷ تن، از مردم مدینه بودند (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۵۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۹۰) و نه تن از مجموع چهارده شهید جنگ بدر، اهل مدینه بودند (ابن قتیبه دینوری، بی تا، ص ۱۵۷؛ ر.ک: بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۹۶)؛ از این رو آیات مربوط به جنگ بدر (آل عمران: ۱۳، ۱۲۳-۱۲۵؛ انفال: ۷-۱۲، ۱۵-۱۸، ۴۱-۴۴، ۴۷، ۶۵-۶۶؛ حج: ۱۹) را می توان درباره ساکنان مدینه دانست (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۷، ۲۷۸؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۲۹؛ ۹، ص ۱۲۸؛ ۱۰، ص ۷، ۱۲-۱۳؛ ۱۷، ص ۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۲۸-۸۲۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۳۷۰-۳۷۱؛ ۱۳، ص ۲۶؛ سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۰۱؛ ← مقاله بدر).

اهل مدینه پیش از آغاز نبرد اُحد و در شب جنگ (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۱۷، ۳۳۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ← مقاله اُحد) و نیز پس از اتمام کارزار (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۰۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱۴) از مدینه و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله محافظت کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این جنگ، نظر جوانان مدینه مبنی بر مقابله با فریش در بیرون شهر را پذیرفت (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۰۹-۲۱۰). در جنگ اُحد، تنها علی علیه السلام و فرد سلحشوری از مدینه به نام سماک بن خرشه (ابودجانه) در دفاع از جان پیامبر صلی الله علیه و آله به استقبال شهادت رفتند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۱۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۳۳). زمانی که

جنگ بالا گرفت و برخی از غیرمدنی‌ها (مهاجران) ترسیدند و گریختند «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ» (آل عمران: ۱۵۵؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۶۴؛ ابن جوزی، زاد المسیر، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۳۸؛ سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸۸)، تعدادی از یاران مدنی رسول خدا ﷺ بر مشرکان حمله بردند که همگی نیز به شهادت رسیدند. مجموع شهدای اهل مدینه در نبرد اُحد شصت تا هفتاد تن بودند (ر.ک: ابن قتیبہ دینوری، بی تا، ص ۱۶۰؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۸۰). آیات ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۵۲-۱۵۳ و ۱۵۵ سوره آل عمران درباره نبرد اُحد و نقش ساکنان مدینه در این جنگ نازل شده یا بخشی از این آیات مربوط به مجاهدت مردم مدینه است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۲۳-۸۲۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۳۸۶-۳۹۵؛ ← مقاله اُحد).

از دیگر غزوه‌ها و نبردهایی که مردم مدینه و برخی بزرگان انصار در آنها نقش مهمی داشتند، عبارت‌اند از: غزوه بنی نضیر (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۷۲؛ ج ۲، ص ۷۷۴-۷۷۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ ابن جوزی، المنتظم، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۱۶-۳۱۷)، جنگ خندق با شش شهید (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۵-۴۹۶؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰-۵۱)، فتح خیبر با نه شهید (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۰۰؛ ابن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۵۰-۵۱)، غزوه بنی قریظه (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۵۲؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۸۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۱۳۹-۱۴۰)، فتح مکه (هروی، ۱۴۰۸، ص ۸۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۰۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۳۷۹؛ ← مقاله جنگ‌های پیامبر ﷺ) و غزوه حنین (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۹۷-۸۹۸، ۹۲۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۰) با هفت شهید (ابن حبیب بغدادی، بی تا، ص ۳۹۹-۴۰۰؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۹).

پس از فتح مکه و به دنبال آن پیروزی مسلمانان در نبرد حنین، رسول خدا ﷺ اعلام کرد با وجود فتح زادگاهش مکه، همراه انصار به مدینه باز می‌گردد و آنان را دعا کرد (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۷)؛ سپس به مسلمانان سفارش کرد تا پس از او به مردم مدینه (انصار) نیکی کنند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۳؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۹۴)، و دشمنی با آنان را نشانه نفاق دانست (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۷۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۷). به سبب

همین میزبانی‌ها و خدمات و جانفشانی‌های مردم مدینه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها خشنودی خود از آنان را ابراز کرد که روایات آن در منابع و مجامع حدیثی تحت عنوان مناقب الانصار، فضائل الانصار و حب الانصار آمده است (ر.ک: احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۷-۶۲؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۲۱-۲۲۹؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۸۰؛ ← مقاله انصار).

### دانش و فرهنگ مدینه در خدمت اسلام

پیامبر صلی الله علیه و آله از ظرفیت و استعداد فرهنگی و ادبی مردم مدینه بهره برد و از شاعران آنان خواست که در مقابل مشرکان، با سلاح شعر از دین اسلام دفاع کنند. این مسئولیت را شاعرانی همچون حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن رواحه بر عهده گرفتند و با سرودن شعر و جوییه و رجزهای حماسی و هجو مشرکان، به مبارزه پرداختند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ج ۲، ص ۱۴، ۲۵، ۵۷؛ ابن عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۲۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله از این اقدام شجاعانه آنان قدردانی کرد و در موارد متعددی نقش آنها را در برابر کفار ستود (ر.ک: ابن عبدربه اندلسی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۵۴)، چنان که وقتی آیه ۲۳۴ سوره شعراء «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» در سرزنش شاعران نازل شد، آن حضرت با استناد به آیه ۲۲۷ همین سوره «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» شاعران مؤمن و مسلمان را از شاعرانی که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند، استثنا فرمود (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۲۶).

در سال چهارم هجرت هفتاد یا چهل تن (مقدسسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۳۹؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۵۶) از قاریان و حافظان مدینه که به‌عنوان نمایندگان پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ اسلام به بیرون مدینه اعزام شده بودند، در واقعه بئر معونه شهید شدند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۴۷، ۳۵۰؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۷۷، ۳۴۶). به گفته مفسران، در آیه ۱۲۸ «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ» و ۱۶۹ سوره آل عمران «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» به این واقعه و ظالم بودن قاتلان این قاریان و حیات جاودان این شهدا اشاره شده است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۱-۸۸۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۵۵).

### قبایل یهود و برخورد پیامبر ﷺ با آنان

بیشتر قبایل یهود مدینه سه طایفه بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه بودند (← مقاله قبایل یهود) که تعداد انگشت‌شماری از آنان به دین اسلام گرویدند (ر.ک: یاقوت حموی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۷۹). به تصریح آیاتی از قرآن یهودیان با نشانه‌هایی که در کتب خود از انبیای پیشین داشتند، پیامبر اکرم ﷺ را همچون فرزندان خود می‌شناختند «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره: ۸۹) «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ» (بقره: ۱۴۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۶-۱۷؛ ۷، ص ۱۰۵؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱-۲۲؛ ابن سیدالناس، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۷۲) و حتی در جنگ‌های شان با اوس و خزرج، به نام پیامبر ﷺ تفال می‌زدند و طلب فتح و پیروزی می‌کردند «وَ كَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره: ۸۹؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶؛ طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۵۸-۳۵۹) ولی بعد از استقرار پیامبر ﷺ در مدینه، به مخالفت با حکومت اسلامی برخاستند. رسول خدا ابتدا با آنان مدارا کرد، ولی آنها توطئه و فتنه‌انگیزی کردند و مشرکان را در آزار و اذیت مسلمندان یاری دادند (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۱۳؛ ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۲۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۹). در برخی آیات قرآن (بقره: ۱۰۴، ۱۲۰؛ آل عمران: ۷۵، ۱۸۱؛ نساء: ۴۶، ۵۱؛ مائده: ۶۳، ۸۲؛ توبه: ۳۰؛ احزاب: ۲۶؛ حشر: ۲-۵) و تفاسیر (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۸، ص ۱۹-۲۰؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۵؛ ۹، ص ۵۵۹-۵۶۰؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ سیوطی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ ← مقاله قبایل یهود)، به برخوردهای پیامبر ﷺ و مسلمانان در برابر سخنان و اقدامات و توطئه‌ها و تمسخرهای یهودیان مدینه اشاره شده است.

### منافقان مدینه و برخورد پیامبر ﷺ با آنان

حضور منافقانی به ظاهر مسلمان، اعم از مهاجر (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۴۹-۸۵۰) و انصار در مدینه عصر نبوی و اثرگذاری آنان در وقایع تاریخی مدینه، از مسلمات تاریخی است (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۸، ۱۲۵؛ ابن حیب بغدادی، بی تا، ص ۴۶۷-۴۷۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۳۵؛ ج ۲، ص ۵۴۱؛ ج ۳، ص ۹۴۰-۹۴۱). به تصریح مفسران و محدثان، افزون بر تطبیق شأن نزول بسیاری از آیات سوره توبه بر منافقان و وجود

سوره‌ای در قرآن به نام منافقون (سوره ۶۳)، آیات متعدد دیگری نیز (آل عمران: ۱۴۴؛ نساء: ۷۷؛ توبه: ۱۵، ۶۱، ۷۴، ۱۰۱؛ مؤمنون: ۶۶؛ احزاب: ۱۲-۱۳؛ حجرات: ۶؛ منافقون: ۸) درباره منافقان مدینه سخن گفته‌اند و آنان را سرزنش و توبیخ کرده‌اند. در این آیات به رفتارهای جاهلی این گروه، فرار آنان از جنگ، تحرکات خبیثانه‌ای چون آزار و اذیت رسول خدا ﷺ و توطئه ترور او و فسق برخی از آنان اشاره شده است (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۳۳؛ ج ۱۱، ص ۲۶، ج ۲۱، ص ۸۵؛ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۲۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۵؛ ج ۳، ص ۵۲۸؛ ج ۴، ص ۳۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۲۵). سردسته منافقان مدینه، عبدالله بن ابی بن سلول (رئیس یکی از قبایل خزرج) بود که کارشکنی‌ها و اقدامات منافقانه و مزدورانه‌اش در وقایع تاریخ صدر اسلام، در کتب تاریخ و تفسیر گزارش شده است (ر.ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۶-۵۲۷؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۱۹۹؛ ۱۷، ص ۳۰۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۳۴۳؛ ← مقاله منافقان).

## منابع و مآخذ

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین (م. ۶۵۶ق)، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. ۶۳۰ق)، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ق.
۳. ابن ادیس، عبدالله عبدالعزیز، مجتمع المدینة فی عهد الرسول ﷺ، تحقیق: عبدالرحمن طیب انصاری، الرياض: عمادة شؤون المكتبات، ۱۴۰۲ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (م. ۵۹۷ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. \_\_\_\_\_، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، تحقیق: محمد و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن حبیب بغدادی، محمد بن حبیب (م. ۲۴۵ق)، المحبر، تحقیق: ایلزة لیختن شتیتر، بیروت: دارالآفاق الجدیة، بی تا.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. ۸۵۲ق)، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۸. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (م. ۴۵۶ق)، جمهرة انساب العرب، تحقیق: گروهی از علما، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۹. ابن خیاط، خلیفة عصفری (م. ۲۴۰ق)، تاریخ خلیفة بن خیاط، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن سعد، محمد بن سعد (م. ۲۳۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۱۱. ابن سیدالناس، محمد بن محمد (م. ۷۳۴ق)، عیون الاثر فی فنون المغازی والشمائل والسیر، بیروت: مؤسسة عزالدین، ۱۴۰۶ق.
۱۲. ابن شبه نمیری، عمر بن شبة (م. ۲۶۲ق)، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. ۵۸۸ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: گروهی از اساتید نجف اشرف، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ق.

١٤. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م.٤٦٣ق)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق: على محمد بجاوي، بيروت: دارالجيل، ١٤١٢ق.
١٥. ابن عبدربه اندلسي، احمد بن محمد (م.٣٢٨ق)، العقد الفريد، تحقيق: مفيد محمد قميحة، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٤ق.
١٦. ابن فقيه، احمد بن محمد همداني (م.٣٦٥ق)، البلدان، تحقيق: يوسف هادي، بيروت: عالم الكتب، ١٤١٦ق.
١٧. ابن قتيبه دینوری، عبدالله بن مسلم (م.٢٧٦ق)، المعارف، تحقيق: ثروت عكاشة، القاهرة: دارالمعارف، بی تا.
١٨. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م.٧٧٤ق)، البداية والنهاية، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٧ق.
١٩. ابن منظور، محمد بن مكرم (م.٧١١ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزة، ١٤٠٥ق.
٢٠. ابن نجار بغدادی، محمد بن محمود (م.٦٤٣ق)، الدررة الثمينة في اخبار المدينة، تحقيق: حسين محمد على شكري، بيروت: شركة دارالارقم، بی تا.
٢١. ابن هشام، عبد الملك حميري (م.٢١٣ق)، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى سقا وديكران، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
٢٢. ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين (م.٣٥٦ق)، الاغانى، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤١٥ق.
٢٣. ابيارى، ابراهيم، الموسوعة القرآنية، مؤسسة سجل العرب، ١٤٠٥ق.
٢٤. احمد بن حنبل، شيباني (م.٢٤١ق)، فضائل الصحابة، تحقيق: وصي الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق.
٢٥. \_\_\_\_\_، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر، بی تا.
٢٦. بخارى، محمد بن اسماعيل (م.٢٥٦ق)، صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ق.
٢٧. برو، توفيق، تاريخ العرب القديم، دمشق، دارالفكر، ١٤١٧ق.
٢٨. بلاذري، احمد بن يحيى (م.٢٧٩ق)، انساب الاشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلي، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق.
٢٩. \_\_\_\_\_، فتوح البلدان، بيروت: دار ومكتبة الهلال، ١٩٨٨م.
٣٠. بيضون، ابراهيم، الانصار والرسول، بيروت: معهد الانماء العربي، ١٩٨٩م.
٣١. بيهقي، احمد بن حسين (م.٤٥٨ق)، دلائل النبوة ومعرفة احوال صاحب الشريعة، تحقيق: عبدالمعطي قلجعي، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.

٣٢. ترمذی، محمدبن عيسى (م.٢٧٩ق)، سنن الترمذی، تحقيق: عبدالوهاب عبداللطيف، عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٣٣. ثعلبي، احمدبن ابراهيم (م.٤٢٧ق)، الكشف والبيان في تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)، تحقيق: ابن عاشور، ساعدي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٢ق.
٣٤. ثقفى كوفى، ابراهيم بن محمد (م.٢٨٣ق)، الغارات، تحقيق: سيد جلال الدين حسيني ارموى، قم: دارالكتاب الاسلامى، ١٤١٠ق.
٣٥. جاحظ، عمرو بن بحر (م.٢٥٥ق)، البيان والتبيين، بيروت: دار ومكتبة الهلال، ١٤٢٣ق.
٣٦. جعفریان، رسول، آثار اسلامى مكه و مدينه، تهران: نشر مشعر، ١٣٨٢ش.
٣٧. \_\_\_\_\_، تاريخ سياسى اسلام (سيرة رسول خدا ﷺ)، قم: انتشارات دليل ما، ١٣٩٤ش.
٣٨. جمحى، محمد بن سلام (م.٢٣١ق)، طبقات فحول الشعراء، تحقيق: محمود محمد شاکر، جدة، دارالمدنى، ١٤٠٠ق.
٣٩. جواد على (م.١٤٠٨ق)، المفصل في تاريخ العرب الجاهلى، الشريف الرضى، بى تا.
٤٠. جوهرى، اسماعيل بن حماد (م.٣٩٣ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملايين، ١٤٠٧ق.
٤١. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م.٤٠٥ق)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن مرعشلى، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
٤٢. خزاعى، على بن محمد (م.٧٨٩ق)، تخريج الدلالات السمعية، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دارالغرب الاسلامى، ١٤١٩ق.
٤٣. خطيب بغدادى، احمد بن على (م.٤٦٣ق)، تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.
٤٤. دياربكرى، حسين بن محمد (م.٩٦٦ق)، تاريخ الخميس في احوال انفس نفيس، بيروت: دار صادر، بى تا.
٤٥. ذهبى، محمد بن احمد (م.٧٤٨ق)، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤١٣ق.
٤٦. زيدي، سيد محمد مرتضى حسيني (م.١٢٠٥ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.

٤٧. زمخشري، محمود بن عمر (م. ٥٣٨ق)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
٤٨. سمعاني، عبد الكريم بن محمد (م. ٥٦٢ق)، الانساب، تحقيق: عبدالرحمن معلمي، حيدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، ١٣٨٢ق.
٤٩. سمهودي، علي بن احمد (م. ٩١١ق)، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفى ﷺ، بيروت: دارالكتب العلمية، ٢٠٠٦م.
٥٠. سهيلي، عبدالرحمن بن عبدالله (م. ٥٨١ق)، الروض الانف في شرح السيرة النبوية، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤١٢ق.
٥١. سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم: كتابخانه مرعشي نجفي، ١٤٠٤ق.
٥٢. شراب، محمد محمد حسن، المعالم الاثيرة في السنة والسيرة، دمشق: دارالقلم، ١٤١١ق.
٥٣. صالح شامي، محمد بن يوسف (م. ٩٤٢ق)، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبدالموجود، علي محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٤ق.
٥٤. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم: نشر اسلامي، ١٤١٧ق.
٥٥. طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠ق)، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي سلفي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.
٥٦. طبرسي، فضل بن حسن (م. ٥٤٨ق)، إعلام الوري بأعلام الهدى، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، لاهياء التراث، ١٤١٧ق.
٥٧. \_\_\_\_\_، تفسير جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه، ١٣٧٧ش.
٥٨. \_\_\_\_\_، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
٥٩. طبري، محمد بن جرير (م. ٣١٠ق)، تاريخ الامم والملوك، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دارالتراث، ١٣٨٧ق.
٦٠. \_\_\_\_\_، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق: صدقي جميل عطار، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٦١. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: احمد حبيب قصير عاملي، بيروت: دار احياء التراث العربي، بي تا.
٦٢. \_\_\_\_\_، تهذيب الاحكام، تهران: دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٤ش.
٦٣. عباسي، احمد بن عبد الحميد، عمدة الاخبار في مدينة المختار، مدينة: المكتبة العلمية، بي تا.

۶۴. غضبان، یاسین، مدینه یشرب قبل الاسلام، عمان: دارالبشیر، ۱۹۹۳م.
۶۵. فخر رازی، محمدبن عمر (م. ۶۰۶ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۶۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (م. ۱۷۵ق)، العین، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۶۷. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (م. ۸۱۷ق)، المغانم المطابة فی معالم طابة، تحقیق: حمد جاسر، الرياض: دارالیمامة، ۱۳۸۹ش.
۶۸. فیومی، احمدبن محمد (م. ۷۷۰ق)، المصباح المنیر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
۶۹. قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲ش.
۷۰. قرطبی، محمدبن احمد (م. ۶۷۱ق)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۷۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۷۲. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمن، معالم المدینة المنورة بین العمارة والتاریخ، بیروت: دار ومکتبة الهلال، ۱۴۱۹ق.
۷۳. کلبی، هشام بن محمد (م. ۲۰۴ق)، الاصنام (تنکیس الاصنام)، تحقیق: احمد زکی باشا، تهران: انتشارات نشر نو، ۱۳۶۴ش.
۷۴. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۷۵. کورانی عاملی، علی، تدوین القرآن، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۷۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۷۷. مسعودی، علی بن حسین (م. ۳۴۵ق)، مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۷۸. معرفت، محمدهادی (م. ۱۳۸۵ش)، التمهید فی علوم القرآن، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۷۹. مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی (م. ۳۶۳ق)، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، القاهرة، دارالمعارف، ۱۳۸۳ق.
۸۰. مقدسی، محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، القاهرة، مکتبة مدبولی، ۱۴۱۱ق.
۸۱. مقریزی، احمدبن علی، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع، تحقیق: محمد نمیسی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.

٨٣. نویری، احمد بن عبد الوهاب، *نهاية الارب في فنون الادب*، القاهرة، دارالكتب القومية، ١٤٢٣ق.
٨٤. واحدی، علی بن احمد (م. ٤٦٨ق)، *اسباب نزول القرآن*، تحقيق: كمال بسيوني زغلول، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
٨٥. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، تحقيق: مارسدن جونز، بيروت: مؤسسة الاعلمی، ١٤٠٩ق.
٨٦. هروی، قاسم بن سلام، *الاموال*، تحقيق: محمد خليل هراس، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٨ق.
٨٧. \_\_\_\_\_، *النسب*، تحقيق: مريم محمد خير الدرع، بيروت: دارالفكر، ١٤١٠ق.
٨٨. هيثمي، علي بن ابي بكر، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٨ق.
٨٩. ياقوت حموي، ياقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٣٩٩ق.
٩٠. يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب (م. ٢٩٢ق)، *تاريخ يعقوبي*، بيروت: دار صادر، بي تا.
٩١. يوسفى غروى، محمد هادى، *موسوعة التاريخ الاسلامى*، قم: مجمع الفكر الاسلامى، ١٤١٧ق.
92. Atay, Rifat, Islam, in: *The Qur'an: An Encyclopedia*, Ed. Oliver Leaman, New York: Routledge, 2006.
93. Kadi (al-Qādī), Wadad & Mir, Mustansir, *Literature and The Qur'ān*, in: *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Ed. Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2006.
94. Raven, Wim, *Sīra and The Qur'ān*, in: *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Ed. Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2001-2006.
95. Shöller, Marco, Medina, in: *Encyclopaedia of the Qur'ān*, Ed. Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2001-2006.

